

## تبیین تغییرات رفتار تعاملی در فضای عمومی تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی\*

ریحانه اسدی\*\*، علیرضا بندرآباد\*\*\*، آتوسا مدبری\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۱۰

### چکیده

از نیمه دوم قرن بیستم، در رویکرد به فضای شهری امکان تعامل و ارتباط اجتماعی به عنوان ویژگی اساسی برای فضاهای شهری خوب و عاملی اساسی برای ادامه حیات شهرها شناخته شد. با ظهور و گسترش رسانه‌های اجتماعی و ارتباطات همراه، حضور جسمانی و تمرکز بر آنچه در فضای کالبدی در جریان است به عنوان پیش شرطی برای مفهوم تعامل به تدریج کمرنگ شده و محتوا و ماهیت شهرها را وارد پارادایم جدیدی نموده است. اگرچه افراد در فضای کالبدی حضور دارند ولی توجه و ارتباط آن‌ها در فضای دیگری شکل می‌گیرد و در واقع فضای سایبر به طور مشخص حوزه رفتار تعاملی کاربران را تحت تأثیر خود قرار داده است. با توجه به فراگیر شدن ابعاد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تمامی جنبه‌های زندگی انسان، آنچه کمتر مورد تأمل واقع شده تأثیر این فناوری‌های نوین بر حضور کنشگرانه انسان و تغییرات بعد رفتار در فضاهای شهری است. در واقع فضاهای شهری در عصر فناوری با مفهوم جدیدی که در پی اضافه شدن کاربر متصل تعریف می‌شود در تمامی ابعاد ماهوی و کالبدی در حال تغییر است. به طوری که این تغییرات به میزان قابل توجهی متأثر از تغییرات رفتار کاربران در سه حوزه تعاملی، شناختی و فضایی می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روش تحلیل محتوای کیفی و تکنیک کدگذاری تحت نرم‌افزار تحلیلی اطلس در پی تبیین تغییرات رفتار تعاملی کاربران در دو منطقه ۶ و ۱۲ شهر تهران به لحاظ روابط و الگوهای تعاملی است. یافته‌های پژوهش حاصل از تحلیل نقشه‌های رفتاری حاکی از آن است که رفتار تعاملی کاربران از سوژه‌های متکلم و کنشگر به ارتباطاتی دوسویه و غیرمستقیم تغییر شکل داده و بیشتر از نوع غیر متمرکز و متمرکز بر رسانه است و توجه و ادراک فضای پیرامون و نیز ارتباط با سایر افراد در جایگاه درگیری حاشیه‌ای قرار گرفته است. در نتیجه ماهیت فضاهای عمومی از شاخص‌های سنتی به سمت قلمروهای موقت سوق پیدا کرده به طوری که کمرنگ شدن اتصال بین کاربر و فضا موجب کشیده شدن کاربر متصل از متن فضاهای رویدادپذیر به حاشیه‌ی فضا شده و در یک رویکرد تعاملی نقش کانونی کاربر در فضا تضعیف شده است. علاوه بر این، یافته‌ها بیانگر تأثیر معنادار فناوری در گزینش فضایی، تسهیل دسترسی، مسیریابی و جامعه‌پذیری می‌باشد که همگی این زیر معیارها بازنمایی مفهوم وابستگی به فناوری در الگوهای تعامل با فضا است. لازم به ذکر است شناسایی ابعاد گوناگون تغییرات شکل گرفته در رفتار تعاملی کاربران می‌تواند راهکارها و الگوهای بهینه‌ای را در جهت هرچه کارآمدتر کردن فضاها در شهرهای عصر حاضر، در اختیار برنامه ریزان و طراحان شهری قرار دهد.

### واژگان کلیدی

الگوی رفتاری، رفتار تعاملی، فضای عمومی، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فضای سایبری

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین تغییرات رفتار جمعی در فضاهای عمومی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

assadi68@gmail.com

\*\* گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

\*\*\* دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

bandarabad@yahoo.com

\*\*\*\* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

atmodiri@gmail.com

## مقدمه

عرصه‌های عمومی شهری مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند که در آن بیشترین تماس، ارتباط و تعامل میان انسان‌ها رخ می‌دهد. در واقع عامل اصلی شکل‌گیری شهر لزوم تبادل و ارتباط بین انسان‌ها بوده که نتیجه آن حضور وزندگی هم‌زمان افراد در یک محل است. این گردهمایی انسان‌ها در یک مکان و زمان بعد اجتماعی مهمی را تشکیل می‌دهد که به نقل از کارمونا به‌عنوان عصاره شهرنشینی از نظر فرهنگی به شمار آمده است (کارمونا، ۲۰۰۳، ۴۸). اولدنبرگ نیز بر جنبه اجتماعی فضاهای عمومی تأکید دارد و این گونه بیان می‌دارد که بدون حضور فضاهای عمومی و جمعی که با زندگی مردم عجین شده باشد، نقش اصلی شهر حذف خواهد شد زیرا مناطق شهری توانایی متبلور ساختن ارتباطات صحیح بین مردم را نخواهند داشت و تنوع برخوردها و تبادلات انسانی که لازمه و عنصر شاخص یک زندگی شهری است رخ نخواهد داد. مونتگومری نیز در این رابطه معتقد است که فضاهای عمومی شهر بایستی امکان ایجاد ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را فراهم آورد (Oldenburg, 2004). لوفور نیز به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان فضا، از فضا به‌عنوان یک محصول پیچیده اجتماعی یاد می‌کند و برای نقش تعامل و کنش اجتماعی در فضا اهمیت خاصی قائل می‌شود.

یکی از مهم‌ترین تحولات دوران حاضر مسائلی نظیر انقلاب اطلاعاتی، فناوری ارتباطات و مجازی‌سازی است که در قیاس با تغییرات تکاملی دوره‌های پیشین شهر، سخن از دگرگونی‌های انقلابی و شهری اساساً متفاوت با گذشته دارد (Lattanzio, 2012, 3). توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در کمتر از نیم قرن در تغییر سرعت تحولات شهری نقش عمده و تعیین‌کننده‌ای داشته است به طوری که محتوا و ماهیت شهرها را وارد پارادایم جدیدی نموده است تا جایی که می‌توان اذعان داشت این فناوری‌ها به‌عنوان محور اصلی تغییر و توسعه در هزاره سوم در همه ابعاد به شمار می‌آید. فضاهای عمومی در عصر فناوری با مفهوم جدیدی که در پی اضافه شدن کاربر متصل تعریف می‌شوند در حال تغییر ماهیت هستند و این تغییر به مقدار زیادی به تغییر در رفتار کاربر فضا وابسته است. با این وجود با توجه به فراگیر شدن این فناوری‌ها در سراسر جهان در کنار مزایا، محاسن و ویژگی غیر قابل جایگزینی آن، آنچه کمتر مورد توجه و تأمل واقع شده است تأثیر این فناوری‌های نوین در شهرها به‌طور عام و در فضاهای شهری به‌طور خاص به‌عنوان مهم‌ترین مکان بروز تعاملات اجتماعی و رفتارهای کنش‌گرانه می‌باشد. به‌طور شفاف‌تر نگرانی که در حضور فناوری‌های نوین عصر حاضر به وجود آمده این است که استفاده از آن در جامعه هنجارهای رفتار را به چالش می‌کشد (Campbell & Kwak, 2011, 208).

بررسی طیف گسترده از منابع در این حوزه، گواهی بر تأثیر بسیار گسترده ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات به خصوص تلفن‌های همراه هوشمند روی الگوهای زندگی، نحوه برقراری روابط اجتماعی، ساختارهای اقتصادی (بازاریابی و تبلیغات) و نیز الگوهای رفتاری در فضا می‌باشد که به‌طور فزاینده‌ای در حال نشستن به سایر بخش‌های زندگی انسان‌ها و به‌طور خاص کاربران متصل در عصر حاضر است. از این رو تبیین و بررسی چگونگی این تغییرات در رفتار کاربران به ویژه رفتارهای اجتماعی و تعاملی در حوزه فضای عمومی می‌تواند ابزار مناسبی جهت پیش‌بینی مدل‌های رفتاری در فضا و نیز ارائه راهکارهای مناسب به برنامه‌ریزان و طراحان شهری جهت طراحی کارآمد فضاهای عمومی شهری به فراخور نیازها و الگوهای رفتاری نوین کاربران در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات باشد. در این راستا با توجه به گستردگی موضوع، پژوهش حاضر با استناد به ادبیات نظری موجود و با در نظر داشتن رسالت خود در راستای مشارکت در تولید دانش<sup>۱</sup> به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که: رفتارهای اجتماعی کاربران در فضای عمومی در حضور فناوری‌های نوین ارتباطی چگونه تحت تأثیر و تغییر قرار گرفته‌اند؟

در راستای پاسخگویی به این پرسش بررسی دو مفهوم الگوهای رفتاری در فضای عمومی شهری و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی الزامی می‌نماید. ثیل در مطالعاتی که در سال ۱۹۶۲ انجام داد، روشی به نام «اندازه‌گیری و شمارش فضا را ابداع کرد. وی در مطالعات خود شکل‌های کالبدی که شخص در هنگام حرکت با تغییر و جهت خود درک می‌نمود را به نظم درآورده است که جزء کامل‌ترین و پیچیده‌ترین روش‌ها در حوزه رفتارشناسی در فضا به شمار می‌آید. دونالد اپلیارد به‌عنوان پایه‌گذار مطالعات بصری رفتاری در سال ۱۹۶۴ با همکاری کوین لینچ و جان میر اولین تحقیق بصری-تجسمی در مقیاس شهر را انجام دادند و نتایج مطالعات خود را در کتاب دید از جاده منتشر نمودند. گوفمن به‌عنوان آغازکننده تحقیقات روی تأثیرات فناوری بر رفتارهای هنجاری معتقد است انسان‌ها و حیوانات قابلیت تقسیم توجه خود به درگیری اصلی و حاشیه‌ای را دارند. درگیری اصلی درگیری است که قسمت عمده‌ای از توجه و علاقه فرد را به خود جلب می‌کند و مشخصاً عامل اصلی تعیین‌کننده رفتار و واکنش‌های او را تشکیل می‌دهد. در مقابل درگیری حاشیه‌ای فعالیت است که فرد می‌تواند بدون فشار و سردرگمی هم‌زمان با یک مشارکت اصلی، به صورت انتزاعی انجام دهد. اولویت بخشی و تقسیم تمرکز و توجه افراد به هر یک از این

درگیری‌های اصلی و حاشیه‌ای موضوعی است که به طور مستقیم متأثر از فناوری‌های نوین در عصر حاضر است. (Lenz, 2022, 14) کمبل و واک نیز در پژوهش خود تحت عنوان ارتباطات موبایل و جامعه شهری به مقایسه رسانه‌های سنتی نظیر کتاب و مجلات و رسانه‌های نوین نظیر تلفن‌های همراه هوشمند می‌پردازد و معتقدند که در مقایسه با رسانه‌های مونولوگ، فناوری‌های ارتباطی نوین حالت گفت‌وگویی<sup>۲</sup> دارند و برقراری جریان‌های ارتباطی و اطلاعاتی دو طرفه را فراهم می‌کنند که حواس پنج‌گانه کاربر را بیشتر در فضای شخصی خود غوطه‌ور می‌سازد. به طور کلی رسانه‌های دیجیتال به عنوان رسانه‌های ترکیبی عمل می‌کنند که هم از ارتباطات فردی و هم ارتباطات اجتماعی پشتیبانی می‌کنند و بر الگوها و رفتارهای اجتماعی کاربران در فضا تأثیر مستقیم دارد (Campbell & Kwak, 2011, 241). از نتایج مشاهدات همپتون و گوپتا شامل ۱۲۰ ساعت مشاهده مستقیم و مصاحبه آنلاین از افراد حاضر در کافه‌هایی با دسترسی رایگان و شامل هزینه، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که بیشتر کاربران اتصال به اینترنت را از ویژگی‌های بارزی می‌دانند که کافه‌ها را به فضاهایی تحت عنوان فضای بهره‌وری<sup>۳</sup> تبدیل نموده است. همپتون در این ارتباط به این نکته اشاره دارد که فراگیر شدن حضور اینترنت بی‌سیم<sup>۳</sup> در بیشتر فضاهای شهری ساختار روابط اجتماعی بین افراد را تحت تأثیر و دگرگونی قرار داده است به طوری که حضور اینترنت به عنوان پشتیبان شبکه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی به نوعی منجر به برکناری عمومی<sup>۴</sup> خواهد شد و با توسعه روابط در فضای سایبری منجر به شکل‌گیری یک حوزه عمومی جدید می‌شود (Hampton & Gupta, 2008, 839). در ارتباط با موضوع شهرهای هوشمند نیز با توجه به پیوستگی آن‌ها با مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات در شهرها پژوهش‌های بی‌شماری به انجام رسیده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش استوارت بار و همکاران اشاره داشت. در این پژوهش این‌گونه مطرح شده است که مهم‌ترین ویژگی یک شهر هوشمند ارائه اطلاعات کارآمد در زمان مناسب به شهروندان و ارائه دهندگان خدمات است که منجر به افزایش کیفیت زندگی شهری می‌گردد و با استناد به داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه شونده‌گان این‌گونه نتیجه می‌گیرد که ابزارهای نوین با ایجاد قابلیت‌های جدید در شهرهای هوشمند به طور مشخص بر کیفیت‌هایی از فضا شامل دعوت‌کنندگی، انعطاف‌پذیری، خلاق و پویا سازی فضا اثرگذار بوده است (Barr, et al. 2021). طبق بررسی‌های به انجام رسیده، در ایران پژوهش‌ها و مطالعات اندکی در این حوزه انجام گرفته است که از جمله شاخص‌ترین آن‌ها می‌توان به مطالعه‌ای تحت عنوان «تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان» در سال ۱۳۸۷ توسط حسین بحرینی اشاره داشت. از دیگر پژوهش‌های مرتبط با این حوزه می‌توان به مطلبی (۱۳۸۰)، امیری (۱۳۹۵)، پاک‌نژاد و لطیفی (۱۳۹۷)، حناچی (۱۳۹۴)، صادقی زاده (۱۳۹۸)، رهنمایی (۱۳۸۸)، تنکابنی (۱۳۹۷) و قهرمانی (۱۳۹۴) اشاره کرد.

## مبانی نظری- تجربی پژوهش

**فضای عمومی و حوزه فناوری و رسانه:** یکی از موضوعاتی که توجه روز افزون پژوهشگران علوم سیاسی را به خود جلب کرده است نقش اینترنت در رشد و تقویت دموکراسی و مشارکت سیاسی در عصر حاضر است. این توانایی به دلیل ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، هم‌زمانی ارتباط، فراگیر بودن و متمرکز نبودن شبکه اینترنت است که آن را از رسانه‌های جمعی سنتی مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون متمایز می‌سازد و در بین نظریه پردازان حوزه رسانه فراگیر می‌شود. هابرماس با نظریات خود مفهوم حوزه عمومی را به شکلی نوین وارد عرصه مطالعات سیاسی از جمله در زمینه ارتباطات و رسانه کرد. به نظر هابرماس حوزه عمومی قبل از هر چیز قلمروی زندگی اجتماعی ماست که در این عرصه گفتگو بر اساس معیار عقلانیت انجام می‌شود و ماهیت‌هایی بخش عقل جمعی در آن تجلی می‌یابد. هدف هابرماس در نظریه کنش ارتباطی ارائه الگویی است که نشان دهد عقلانیت چگونه در تعامل اجتماعی عادی یعنی در ارتباطات سوژه‌های متکلم و کنشگر جلوه می‌کند در حالی که فناوری‌های ارتباطی جدید امکان برقراری شیوه‌های نوینی از ارتباطات دو سویه، غیرمستقیم و آزاد را پدید آورده‌اند (Habermas, 1989). ویلیامز به عنوان یکی از نظریه پردازان حوزه فناوری در کتاب فهم نظریه رسانه‌ها، معتقد است که نشانه‌های فرهنگ عامه و تصاویر موجود در رسانه‌ها به طور فزاینده بر درک ما از واقعیت و تعریف ما از خود و دنیای اطرافمان و نیز شدت و نحوه تعامل ما تأثیر می‌گذارند. (ویلیامز، ۲۰۰۳) بورگمان نیز در کتاب فناوری و سرشت زیست معاصر، بیان می‌دارد که افراد پیش از عصر فناوری نقشی کانونی برای یکدیگر داشتند، اما در نتیجه ارتباط اینترنتی میان افراد، شخص به جای یک شی کانونی، تبدیل به یک کالا شده است. وی می‌افزاید که اگرچه سطح ارتباط میان اشخاص بیشتر شده اما درگیری و عمق روابط کانونی تنزل یافته است (Borgmann, 1984, 210). کاستلز در کتاب ظهور جامعه شبکه‌ای بیان می‌دارد که از دهه ۱۹۷۰، با اختراع ریز پردازنده‌ها عصر جامعه اطلاعاتی آغاز شده و مختصات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان را متحول گشته است. او این تحول انقلابی را پارادایم جدید اطلاعاتی نامیده است که در آن تمامی ابعاد زندگی بشر متحول گردیده است. از نظر او در جامعه‌ی اطلاعاتی، جامعه‌ی مدنی تحلیل می‌رود و از هم گسسته می‌شود (Castells, 2010). تافلر در دهه ۸۰

میلادی در کتاب خود تحت عنوان موج سوم، ظهور دفاتر کار در منزل<sup>۶</sup> یا آنچه وی کلبه الکترونیکی<sup>۷</sup> نامید را پیش بینی می‌کند. فضایی که فعالیت‌هایی مانند کار، تولید، اوقات فراغت و مصرف همگی در آن انجام می‌شود و دقیقاً مقابل نقشی است که نهاد های عمومی ما در جامعه در گذشته ایفا می‌کردند (تافلر، ۱۹۸۰). آشر نیز به‌عنوان یکی از نظریه پردازان در این حوزه متاپولیس یا ورا شهر را به‌عنوان محیط سکونت، کار و تجارت و فراغت منحصر به فردی به تصویر می‌کشد که فضایی آینده از اختلاط عملکردی، شکلی، معنایی، اجتماعی و فرهنگی است. برای تبیین تحول نقش فرد در جامعه، آشر از تعبیر فرا متن<sup>۸</sup> استفاده می‌کند و می‌گوید در دنیای امروز مردم به شکل فزاینده‌ای بین شبکه‌ها، جهان های اجتماعی با مجموعه‌ای از روش‌های متنوع (واقعی و مجازی) ارتباطی در آمد و شد هستند و بدین ترتیب نقشی فرامتنی می‌یابند. امروزه افراد به تعبیری در همین فرایند فرا متنی قرار گرفته و در شاخه های شبکه‌های اجتماعی مختلف دائماً در حال جابجایی هستند؛ وی تأکید دارد که فناوری با توانایی حفظ ارتباطات فارغ از موانع مکانی و زمانی، این امکان را به افراد می‌دهد که ارتباطات خود را به شبکه‌هایی از آشنایان و دوستان محدود کنند و ارتباط کمتری با فضای پیرامونی و برخوردهای اتفاقی برقرار کنند (Ascher, 2004, 36-39). از جمله دیگر نظریات شاخص در این حوزه میتوان به شهر مجازی دوناث، شهر از راه دور<sup>۹</sup> فنی و شهر ناپیدای<sup>۱۰</sup> بتی اشاره داشت به طوری که تمامی تعاملات اجتماعی و اقتصادی جاری در شهرها میان افراد، خانوارها، شرکت‌ها و نهادهای عمومی توسط اینترنت و از راه دور و به صورت مجازی انجام می‌شود. در تمامی این نظریات و تعابیر، شهر معاصر در حضور فناوری های جدید به عنوان مجموعه‌ای از فرصت‌ها، فعالیت‌ها و خدمات مبتنی بر مکان اهمیت خود را از دست می‌دهد. بنابر این تمرکز مکانی به عنوان شهر در مفاهیمی چون تکنوبورب فیشمن دیگر ضرورتی نخواهد داشت و ای-توپیا یا آرمانشهر الکترونیک میچل با ماهیتی بهینه و کوچک مبتنی بر شبکه‌های بر خط و شکل گرفته از واحدهای دیجیتال تحقق پذیر خواهد شد. (Mitchell, 1995). به طور کلی می‌توان بیان داشت که در تمامی این نظریات ادامه زندگی بشر در گرو فضای سایبری است و شهرها به عنوان مکان‌هایی متمرکز اهمیت خود را از دست خواهند داد و روابط میان افراد و نهادها و سکونتگاه‌ها نیز متحول خواهد شود. کار و ارتباطات در فضای سایبری رخ خواهد داد و جهان با مرگ فاصله و مرگ شهر مواجه خواهد بود.

جدول ۱- نظریات و مفاهیم حوزه رسانه، فناوری و فضای عمومی

نظریه‌پرداز	عبارت و مفهوم تأکیدی
یورگن هابرماس (۱۹۸۹)	- کنش ارتباطی - عقلانی- انتقادی - موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان - سوژه‌های متکلم و کنشگر
کوبین ویلیامز (۲۰۰۳)	- مخدوش گشتگی واقعیت - ادراک مبتنی بر تصاویر سطحی - واقعیت مجازی
آلبرت بورگمان (۱۹۸۴)	- عصر پارادایم دستگاه
مانوئل کاستلز (۲۰۱۰)	- شهر اطلاعاتی / جامعه اطلاعاتی - فضای جریان‌ها جایگزین فضای مکان‌ها - جهان شبکه‌ای - دگرگونی رسانه و مخاطب - بی‌زمانی
آشر (۲۰۰۴)	- متا پولیس - فضای شهری آینده از اختلاط عملکردی، شکلی، معنایی، اجتماعی و فرهنگی - ظهور فرم‌های جدید رشد شهری (ناهمگن، منقطع و دارای مراکز متعدد) - فرامتن
الوین تافلر (۱۹۸۰)	- کلبه الکترونیکی - تسلط کامپیوتر بر حیات اقتصادی و اجتماعی - انقلاب دیجیتال، انقلاب ارتباطات و تکنیکی فناوری

نظریات و مفاهیم حوزه رسانه، فناوری و فضای عمومی

نظریه‌پرداز	عبارت و مفهوم تأکیدی
بتی (۱۹۹۰)	- شهر ناپیدا - انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی به شکل مجازی و ناملموس توسط اینترنت
فشی (۱۹۹۱)	- شهر از راه دور - دریافت خدمات و برقراری تعامل و ارتباط از راه دور
میشل (۱۹۹۶)	- شهر بیت‌ها شهر مبتنی بر شبکه‌های بر خط و دیجیتال
دوناث (۱۹۹۷)	شهری مجازی شهری مبتنی بر انتقال تمام ارتباطات اجتماعی و اقتصادی به فضای مجازی
تاون سند (۲۰۰۱)	- شهر شبکه‌ای شهرهای جهانی متکی بر اینترنت محوری بدون هیچ گونه وابستگی به فاصله کالبدی و مکانی

**رفتار و فعالیت در فضا:** به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای فرد انجام می‌گیرد «فعالیت» گفته می‌شود (پاکزاد، ۱۳۹۱، ۴۱) (کارمونا، ۲۰۰۳، ۴۸). در مقابل نحوه انجام یک فعالیت را نیز رفتار گویند. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت‌های محیط، تصویر ذهنی فرد از محیط پیرامون ناشی از ادراک و معنایی که این تصویر برای او دارد است (لنگ، ۱۹۸۷، ۹۷). بنا بر این هر فعالیت تحت شرایط فوق و نیز در ترکیب با عواملی نظیر موقعیت زمانی و مکانی می‌تواند اشکال مختلفی به خود گیرد و رفتارهای متنوعی را در پی داشته باشد (Chapin, 1974). به طور کلی و با استناد به بررسی منابع گسترده انواع رفتار در محیط به دو دسته رفتارهای فردی و جمعی دسته بندی می‌شود. رفتارهای فردی شامل آن دسته از رفتارهایی هستند که به تنهایی و به صورت فردی انجام می‌شوند که ممکن است در خلوت و یا در جمع بروز پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۹۱، ۵۰). رفتار جمعی یا اجتماعی نیز، رفتاری است که مستلزم ارتباط بین دو یا چند نفر است که در واقع در حضور دیگران و گاهی با مشارکت آن‌ها به انجام می‌رسد. این نوع فعالیت‌ها نه تنها با فعالیت دو یا چند نفر انجام می‌شوند بلکه در آن‌ها افراد تحت تأثیر یکدیگر نیز قرار می‌گیرند (Lang & Moleski, 2016, 44).

در زمینه تأثیر محیط بر رفتار دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است، توجه به رفتار انسان در «قرارگاه‌های رفتاری» در ابتدا توسط راجر بارکر در بستر روانشناسی اکولوژیک مطرح شد که در پی تشریح ارتباطات رفتار و محیط در حیطه زمان و مکان مشخص بود. راجر در پی فهم نظام مند رفتارهای فرد این‌گونه بیان می‌دارد که محیط رفتار افراد مستقر در خود را شکل می‌دهد و افراد صرف نظر از تفاوت‌های فردی، در یک محیط معین به نحو بسیار مشابهی رفتار می‌کنند (میرسلامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). در این ارتباط برایان لاوسون نیز معتقد است که رفتار در قرارگاه صورت می‌پذیرد و قرارگاه در برگیرنده فضا، مردم و فعالیت‌هایشان است (Lawson, 2007). سن آف نیز معتقد است قرارگاه رفتاری واحدی اکولوژیک است که شامل مجموعه‌های رفتاری و محیطی به هم وابسته است. محیط برای انسان فرصت تعامل و تجربه را فراهم می‌آورد و تأثیر زیادی بر حالت روانشناسی و رفتار اجتماعی فرد دارد.

جدول ۲- نظریات و مفاهیم حوزه رفتار و فعالیت

نظریه‌پرداز	عبارت و مفهوم تأکیدی
جان لنگ	انگیزه نیازها قابلیت محیط تصویر ذهنی ادراک و معنا طرح‌واره ذهنی
راجر بارکر	مفهوم قرارگاه رفتاری و تحلیل الگوهای رفتاری در ارتباط با مکان کالبدی رفتار
امس راپپورت	کنش متقابل انسان و محیط سامانه‌های فعالیتی و رفتاری
شولتز	جنبه ادراکی رابطه انسان و محیط

نظریات و مفاهیم حوزه رفتار و فعالیت

عبارت و مفهوم تأکیدی	نظریه پرداز
تأکید بر ادراکات بصری توجه به سلسله مراتب بصری	لینچ
تأکید بر الگوی بوم‌شناختی در بررسی‌های مربوط به محیط و رفتار	آلتمن
تأثیر تعامل و تجربه بر ادراک	سن آف
قرارگاه رفتاری به‌عنوان واحد پایه برای تحلیل محیط	
قرارگاه رفتاری دربردارنده عناصر کالبدی و اجتماعی محیط در قالب یک کل مستقل در بر دارنده و تأثیرگذار بر رفتار	اسکات

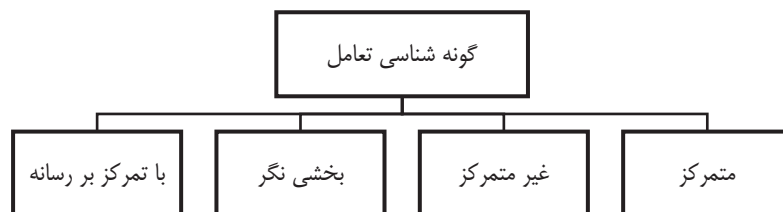
**رفتار تعاملی در حضور فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی:** استفاده از فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات با ویژگی‌های منحصر به فردی، همچون همه جایی بودن، در دسترس بودن و سرعت بالا، به‌صورت فزاینده‌ای در حال فراگیر شدن در تمامی جنبه‌های زندگی انسان در قرن ۲۱ ام است. آمارهای موجود حاکی از آن است که تعداد کاربران تلفن‌های همراه از ۴۰۱۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۵ به ۴۰۷۸ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۰ رسیده است که با در نظر داشتن بازه ۵ ساله، مقدار ۱۶ درصد عدد قابل توجهی است. به مدد این فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی کاربران تلفن‌های هوشمند این قابلیت را دارند که هم زمان دنیای دیجیتال، نقشه‌های دیجیتال، پیام‌های ایمیل، پیام‌های فیس‌بوک و دنیای ملموس و فیزیکی فضای اطراف، خیابان‌ها، قطارها، دفاتر و رستوران‌ها را تجربه کنند. از طرفی این حضور فراگیر فناوری‌های ارتباطی بر هنجارهای اجتماعی، درک حریم شخصی و جامعه‌پذیری تأثیر می‌گذارد و اشکال جدیدی از روابط و الگوهای رفتاری را در فضاهای عمومی امکان‌پذیر می‌کند (e Silva & Frith, 2012, 160). به طور کلی تغییرات رفتار در فضای عمومی طیف گسترده‌ای از رفتارهای تعاملی، رفتارشناختی و رفتار فضایی را شامل می‌شود. رفتار تعاملی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد رفتار، خود طیف وسیعی از شاخص‌ها شامل الگوها و روابط اجتماعی، حضور پذیری، دسترسی‌پذیری، کنش جمعی را در برمی‌گیرد.

**الگوها و روابط اجتماعی:** فناوری‌های نوین ارتباطی اگر چه تأثیرات گسترده و متنوعی بر نحوه ادراک و رفتار ما در فضا دارد اما اولین و شاخص‌ترین تأثیر آن در این حوزه روی نزدیکی، احتمال برقراری ارتباط و کیفیت یک مکالمه رو در رو است (Przybylski & Weinstein, 2012, 237) و این موضوع ناشی از این امر است که وجود تلفن همراه در فضای عمومی، ذهن افراد را به سمت اشخاص و رویداد هایی خارج از متن اجتماعی بلافصل<sup>۱۱</sup> آن‌ها سوق می‌دهد و توجه افراد را از محیط پیرامون آن‌ها می‌رباید. (Mieczakowski, Goldhaber & Carlson, 2011, 7). گوفمن معتقد است فناوری‌های نوین ارتباطی نظیر تلفن‌های همراه نوع رفتار تعاملی افراد را در فضای عمومی تغییر داده‌اند به طوری که اگرچه افراد به صورت فیزیکی در فضا حضور دارند اما از فناوری به‌عنوان یک ابزار برای ساخت یک پبله دور خود برای حفظ عرصه خصوصی استفاده می‌کنند. (Goffman, 1972). دیویس و پیژ نیز معتقدند استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی احتمال به انزوا کشیده شدن افراد در فضای عمومی و به دنبال آن بروز جرایم را افزایش داده است و محیط فیزیکی را به فضای مخاطره‌آمیزتر و خشن‌تری تبدیل نموده است (Davis & Pease, 2000, 61) (Sabanes Plou 2011, 3). درواقع شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌کنند که افراد نمایه‌های عمومی و نیمه عمومی را شکل دهند و ارتباطات اجتماعی خود را درون آن فضای مجازی ایجاد کنند (Hosio, 2010, 23). تورکل معتقد است که ظهور فناوری‌هایی مانند تلفن‌های همراه با افزایش فرصتی برای گذراندن وقت و ایجاد تعامل در فضای خصوصی در حالی که افراد در فضای عمومی قرار دارند موجب تحلیل زندگی عمومی و کم‌رنگ تر شدن نقش فضاهای عمومی گشته است (Arnd-Caddigan, 2015, 8).

گرگن (۲۰۰۸) در ارتباط به وضعیت تعاملی افراد در سایه فناوری‌های ارتباطی این‌گونه استدلال می‌کند که تماس دائمی با واسطه تلفن همراه در میان دوستان، خانواده و روابط صمیمانه مانع گفتگوی عمومی بین افراد حاضر در یک فضا می‌شود، بنابراین این عنصر اساسی جامعه مدنی را در محاصره پیوند های شبکه‌ای کوچک قرار داده و آن‌ها را خوشه‌های تکین<sup>۱۲</sup> ارتباطی توصیف می‌کند (Gergen, 2008). در حالی که به طور کلی هنگام تعامل در زندگی روزمره باید در برابر افراد صمیمی و غریبه آزاد باشیم، تلفن همراه تعادل را به نفع حوزه صمیمی دوستان و خانواده فراهم می‌کند. درواقع در شرایطی که ممکن بود فرصتی برای مکالمه با یک غریبه وجود داشته باشد (به‌عنوان مثال انتظار برای اتوبوس یا ایستادن در صف پرداخت)، با دوستان، نزدیکان یا اعضای خانواده خود در فضای مجازی معاشرت و گفت‌وگو می‌کنیم و احتمال برقراری یک ارتباط را برای اطرافیان به حداقل می‌رسانیم (Campbell & Kwak, 2011, 208)

(Ling, 2010, 159-160). همان طور که همپتون نیز تأکید دارد در حضور فناوری‌های ارتباطی جنبه اشتراکی فضاهای عمومی<sup>۱۳</sup> در حال رنگ باختن است. (Hampton, Goulet & Albanesius, 2015, 1492) شبلیسکی نیز اذعان می‌دارد که داشتن تلفن در دست قادر است تعامل اجتماعی دست اول را تخریب کند (Przybylski & Weinstein, 2012, 239). برخی پژوهشگران در این حوزه نیز معتقدند که استفاده از اینترنت به کوچک‌تر شدن حلقه‌های اجتماعی افراد<sup>۱۴</sup>، کاهش مشارکت عمومی و افزایش محوریت خانه<sup>۱۵</sup> منجر شده و ماهیت فضاهای عمومی را از شاخص‌های سنتی آن‌ها به سمت یک قلمرو موقت<sup>۱۶</sup> سوق داده است. (Nie, Erbring & Hillygus, 2002, 219) هومفری بیان می‌دارد که بررسی تغییرات در زندگی اجتماعی افراد در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات منجر به شکل‌گیری یک منظر اجتماعی جدید در عصر حاضر شده است (Humphreys, 2005, 811). همپتون و لینگ مشخصاً از فرضیه جایگزینی<sup>۱۷</sup> صحبت می‌کنند که بر اساس آن در عصر فناوری اطلاعات، ارتباطات، ارتباطات با واسطه<sup>۱۸</sup> جایگزین ارتباطات چهره به چهره شده‌اند. (Kraut, Patterson & Lundmark, 1998, 1022) (Hampton & Ling, 2013, 564).

گوفمن سه مدل تعاملی شامل تعامل غیر متمرکز، تعامل بخشی نگر و تعامل متمرکز را در فضای عمومی معرفی می‌کند. تعامل متمرکز نوعی تعامل است که وقتی افراد در کنار هم جمع می‌شوند و آشکارا به همکاری و ارتباط با هم می‌پردازند و یک موضوع واحد را برای تمرکز حفظ می‌کنند نامیده می‌شود. به طور مثال در این نوع تعامل تمامی افراد در تعامل شریک اند و با نوبت گرفتن صحبت می‌کنند. به طور کلی افراد در چارچوب تعامل متمرکز به طور هم زمان رفتار خود را با عملکرد سایر افراد حاضر و بالعکس تنظیم می‌کنند. تعامل غیر متمرکز<sup>۱۹</sup> نوعی ارتباط است که شخص نگاهی گذرا و خالی از توجه را به افرادی که در فضایی حضور دارند، می‌اندازد. به طور مثال به صورت لحظه ای، وقتی فردی وارد یک محیط می‌شود و سپس از دید بیننده خارج می‌شود. در تعامل بخشی نگر<sup>۲۰</sup> حداقل به حضور سه نفر در فضا نیاز هست به گونه‌ای که دو نفر از حاضرین درگیر یک تعامل متقابل مانند یک گفتگو هستند اما شخص سوم و یا سایر افراد خارج از این تعامل قرار می‌گیرند. (Goffman, 1972, 42). هوفلیچ در تکمیل نظریات تعاملی گوفمن گونه جدیدی از تعامل را در پرتو فناوری‌های نوین ارتباطی به سه مدل ارائه شده می‌افزاید و آن را تعامل با تمرکز بر رسانه<sup>۲۱</sup> می‌نامد به طوری که هر دو گونه تعامل غیرمتمرکز و تعامل بخشی نگر مطرح شده توسط گوفمن را در بر می‌گیرد. وی بر این نکته تأکید دارد که اولویت بخشی به هریک از این درگیری‌ها تهدیدی دائمی برای رفتار فرد در فضاهای عمومی و رفتارهای جمعی او به شمار می‌آید (Hoeflich & Kircher, 2010, 72).



تصویر ۱- گونه شناسی تعامل

**دسترسی و حضور پذیری:** با توجه به گستردگی شهرها در عصر حاضر، اتصال به اینترنت و دسترسی به یک رایانه شخصی حتی در یک کافه محلی نیز، امکان پیشبرد مسئولیت‌ها و مدیریت امور را فراهم می‌کند و از همین رو اهمیت حضور فیزیکی در محیط کار حتی در مواقع ضروری کمرنگ شده است (Houghton, 2010, 9). اورباس و همکارش بر مبنای یک پژوهش مشاهده محور نتیجه گرفتند که فرصت‌های فزاینده ای برای منزوی شدن مردم در فضای عمومی وجود دارد. فعالیت‌های شغلی، بین شخصی و سرگرمی از فعالیت‌های اجتماعی و ثابت به فعالیت‌های شخصی و سیار منتقل شده است (Urbas & Krone, 2007, 2). از طرف دیگر با فراگیر تر شدن اینترنت، شکافی بین فضای سایبر و دنیای واقعی ایجاد می‌شود که این امر از نظر مکان‌هایی که مردم در آن حضور می‌یابند، افرادی که با آن‌ها تعامل دارند و نیز بر میزان معاشرت آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت (Hanzl & Ledwon, 2017, 658).

گرگن درجایی دیگر بهترین تعریف از تأثیر فناوری‌های ارتباطی در فضا های عمومی را حضور مفقود<sup>۲۲</sup> نام می‌برد. حضور مفقود به معنای حذف اجتماعی از محیط فیزیکی شخص و دیگران در آن‌ها با استفاده از فناوری ارتباطات است. وی ادعا می‌کند که کاربران فضا اگر چه از لحاظ جسمی وجود دارند اما توسط واسطه های فناورانه جذب می‌شود (Gergen, 2008, 227). یک مسئله واضح و انکار ناپذیر این است که هنگامی که افراد به فناوری‌هایی دسترسی دارند که امکان گذران اوقات آن‌ها در فضای شخصی، چه به منظور کار، یا به منظور تعامل و حتی فراغت فراهم می‌آورد، ترجیحی برای حضور در فضای عمومی باقی نمی‌ماند. (Papacharissi, 2008, 12).

**کنش جمعی و جامعه پذیری:** ظهور جامعه شبکه ای بر شکل گیری کنش های جمعی به ویژه کنش های اعتراضی تأثیر خیره کننده ای بر جای گذاشته است. از زمان وقوع جنبش های سیاسی - اجتماعی نظیر مصر، الجزایر، یمن، اردن و بحرین و پس از آن که در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شکل گرفت، یکی از بدیع ترین نکاتی که به وسیله رسانه های غربی برجسته شد نقش اینترنت و فضای سایبری در هدایت ناراضی ها و بسیج تظاهرکنندگان بود. این اولین بار بود که قرار اعتصابات یا ناراضی های خیابانی، در فضاهای مجازی موبایل و اینترنت، فرد به فرد و گروه به گروه منتقل می شد (امیری و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۶۹) (کامور شلمانی و حناچی، ۱۳۹۴).

به نقل از توکویل عاملی که بسیاری از تحلیل گران این رویداد های دامنه دار برآن انگشت می گذارند، نقش رسانه های تازه «شبکه های اجتماعی» است. از آن جا که رسانه های نو مرزهای زمانی و مکانی را در هم می شکنند، رد یابی منبع پیام در آن ها بسی دشوار است و بر پایه تعامل و اشتراک کار می کنند، میدانی فراخ برای ابراز وجود انسان ها و گروه های به حاشیه رانده در جوامع گرفتار دیکتاتوری و تک صدایی به شمار می روند و نیروهای اجتماعی در فضای هراس آور و بسته حاکم بر جامعه هر چه بیشتر به رسانه ها روی می آورند (اصغر کیا و محمودی، ۱۳۹۰: ۱۶). به طور کلی جنبش های اجتماعی بر اساس شبکه های اجتماعی موجود واقع در فضا های خاص فیزیکی و فرهنگی ساخته می شوند در واقع شبکه های اجتماعی در جنبش های اجتماعی، نقش یک سیستم پیوند دهنده را بازی می کنند. یکی دیگر از کنش های جمعی قابل مشاهده در بسیاری از عرصه های شهری در عصر حاضر که در سایه پیشرفت فناوری گسترش پیدا کرده پدیده فلش موب<sup>۲۳</sup> است فلش موب یک پدیده اجتماعی و جدید در رابطه با یک «قرار دسته جمعی هدفمند» و به اصطلاح خود جوش است و به گروه شهروندانی اطلاق می شود که از طریق رسانه های دنیای مجازی (اینترنت، ایمیل و غیره) یا تلفن همراه یا نامه زنجیره ای<sup>۲۴</sup> یکدیگر را خبردار کرده و در زمان معینی در مکان های عمومی برای انجام کارهای شگفتی آور، از جمله اجرا کنسرت یا آواز گروهی فی البداهه، پرفورمنس یا حتی ایجاد مزاحمت برای مردم دیگر تجمع می کنند. «فلش موب» در ابتدا حرکتی کاملاً غیر سیاسی بود ولی امروزه برخی «گرد هم آیی ها» جنبه سیاسی و یا اقتصادی یا تبلیغاتی به خود گرفته و به عنوان یکی از مهم ترین کنش های جمعی (جامعه پذیری) در سایه فناوری های ارتباطی به شمار می آید. این در واقع همان مفهومی است که ولمن و همکاران از آن تحت عنوان قابلیت بسیج نمودن افراد برای عمل و اقدام جمعی<sup>۲۵</sup> در عصر فناوری نام می برند. (Lim, 2014, 54) (Barbosa et al, 2018, 166)

از جمله مثال هایی که در این ارتباط در ایران می توان نام برد جشنواره جوان پارتی در پارک پردیسان و جشنواره آب بازی در پارک آب و آتش است که در سال ۱۳۹۰ با پشتیبانی و ایجاد یک دعوت گروهی در فیس بوک شکل گرفت. با استناد به این مطالب می توان نتیجه گرفت که شبکه های اجتماعی در عصر حاضر به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای کنش های جمعی به عنوان آغازگر و بهره مندی از حوزه عمومی به عنوان بستر کنش ها به شمار می آید. علاوه بر این، در بعضی موارد طراحی و جانمایی نمایشگرها در فضای عمومی منجر به ارتقاء جنبه های مشارکت می شود به طوری که افراد می توانند از طریق تلفن های همراه متصل به اینترنت و برنامه های جانبی نصب شده روی آن خود درباره یک موضوع خاص مورد اشاره (موزیک در حال پخش، تصویر و فیلم و ... در حال نمایش) در نمایشگر اظهار نظر مشارکتی داشته باشند و نظرات خود را ثبت کنند و با کاربران پیش و پس از خود تعامل برقرار کنند و به نوعی به تولید محتوای آنلاین بپردازند. (Agamanolis, 2003, 320) این ابزارها موجب تقویت رفتارهای جمعی و ارتقاء جامعه پذیری در فضای اجتماعی شهرها می شوند (Nouri, Rafiean & Ghasemi, 2019, 93)

جدول ۳- جمع بندی نظریات و مفاهیم حوزه رفتار تعاملی در حضور فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی

نظریه پرداز	گونه شناسی	مفهوم و عبارت تأکیدی
William Mitchell (1995)	الگوها و روابط اجتماعی	همزیستی فضای سایبر و فضای شهری و تأثیر عمیق بر نحوه روابط اجتماعی و رفتار در فضا
Keith Hampton (2015)	الگوها و روابط اجتماعی دسترسی و حضور پذیری	- جایگزینی پیوندهای چهره به چهره با تماس تصویری و ارتباطات کم عمق - حمایت اجتماعی و جامعه مدنی کم رنگ تر - فرضیه جایگزینی (ارتباطات با واسطه جایگزین ارتباطات چهره به چهره) - پیشرفت در زیرساخت های شهری و زمان حضور کمتر در فضای شهری - تأثیر نقاط دسترسی به اینترنت در افزایش زمان حضور کاربران در فضا
Simo Hosio (2010)	الگوها و روابط اجتماعی	- دگرگونی فضاهای عمومی مبتنی بر محتوای کاربر مدار - گسترش روابط اجتماعی خنثی در فضا
Gernot Rietter (2016)	الگوها و روابط اجتماعی	- در هم تنیدگی مرزهای قلمروهای خصوصی و عمومی در عصر فناوری - شکل گیری ملاقات به صورت خودبه خودی و بی مقدمه تر

نظریات و مفاهیم حوزه رفتار تعاملی در حضور فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی

نظریه‌پرداز	گونه‌شناسی	مفهوم و عبارت تأکیدی
Stefan Agamanolis (2003)	الگوها و روابط اجتماعی	- تولید محتوای آنلاین و تقویت رفتارهای جمعی در فضا
Andrew Przybylski Netta Weinstein (2013)	الگوها و روابط اجتماعی	- کاهش احتمال برقراری ارتباط و یک مکالمه رودررو - تخریب تعامل اجتماعی دست‌اول به‌واسطه حضور تلفن همراه
Mitra Ananda (2012)	الگوها و روابط اجتماعی	- شکل‌گیری تجارب متفاوت، نحوه استفاده، عملکرد و رفتار کاربران در فضا
Erving Goffman (1972)	الگوها و روابط اجتماعی	- شکل‌گیری سپر درگیری توسط کاربران - تقسیم توجه کاربر به درگیری اصلی و حاشیه‌ای را دارند و تأثیر مستقیم آن بر نحوه رفتار اجتماعی
Scott W Campbell (2011)	الگوها و روابط اجتماعی کنش جمعی و جامعه‌پذیری	- تقویت روابط اصلی یا هسته‌ای و یا درجه‌یک را به‌واسطه فناوری‌های نوین - تشدید قلمرو درونی و خصوصی و کم‌رنگ شدن نقش‌آفرینی در عرصه‌های عمومی
Lim (2014)	کنش جمعی و جامعه‌پذیری	- فراهم آوردن فضای ملاقات و گفتگو و عرصه برای گفتمان‌های دموکراتیک به‌واسطه - فناوری و بسیج نمودن افراد را برای عمل و اقدام جمعی
Kenneth J Gergen (2008)	دسترسی و حضورپذیری	- مفهوم حضور مفقود و حضور فاقد ادراک و تجربه در فضا

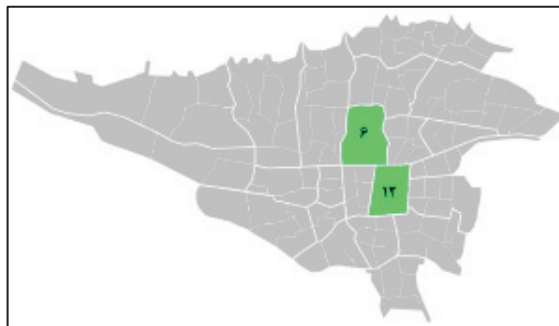
## روش تحقیق

پژوهش پیش رو به جهت اینکه مخاطب اصلی آن جامعه علمی بوده و به دنبال توسعه دانش در زمینه تغییرات رفتار در فضاهای عمومی در حضور فناوری‌های نوین می‌باشد، در دسته پژوهش‌های بنیادی تجربی قرار می‌گیرد. با توجه به کیفی بودن پژوهش، شیوه‌های تجزیه و تحلیل متناسب با خود را نیز می‌طلبد که از بین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی جهت تبیین ویژگی‌های رفتار در معیار الگوها و تعامل اجتماعی، با بهره‌مندی از تکنیک‌هایی نظیر، شمردن، تبدیل کردن به نقشه، تصویر برداری رفتاری، یادداشت برداری در فضای عمومی تحت تأثیر فناوری، از روش تحلیل محتوای کیفی گفتار استفاده می‌شود. برلسون تحلیل محتوا را روشی برای مطالعه عینی و نظام‌مند فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر تعریف می‌کند. روش تحلیل گفتار یکی از روش‌های تحلیل محتوا به شمار می‌آید که برای دریافت معنای نهفته و کشف ویژگی‌های انگیزشی، روان‌شناختی یا شخصیتی افراد در داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مکالمه‌ها، سخنرانی‌ها و متون شفاهی در حوزه‌های مختلف به ویژه علوم رفتاری کاربرد دارد به طوری که جامعه آماری در آن مجموعه افراد است. این در حالی است که در تحلیل محتوای اسناد، مجموعه اسنادی که با سؤال و متغیر تحقیق ارتباط دارد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. (عقیلی و لطفی حقیقت، ۱۳۸۹)

پس از آن جهت تبیین ویژگی‌های مربوط به معیار دسترسی و حضورپذیری و نیز جامعه‌پذیری کاربران، داده‌های متنی حاصل از مصاحبه، تصویرها و نقشه‌های رفتاری تولید شده با بهره‌مندی از نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی ATLAS.ti نسخه ۲۰۱۹ کدگذاری، مقوله‌هایی با بیشترین خوانش استخراج و با بهره‌مندی از شبکه‌یابی بین کدها به ارائه گزاره‌های تحلیلی پرداخته می‌شود. نرم افزار اطلس، یکی از نرم افزارهای کاربردی برای تحلیل کیفی داده‌ها است که جهت کدگذاری و مقوله‌بندی کردن متون استفاده می‌شود و امکان استخراج، مقایسه، کشف، و بازسازی دوباره بخش‌های معنی‌دار انبوه داده‌ها، تصویر کردن آسان روابط و شبکه‌یابی بین کدها با هدف تعمیق بیشتر در داده‌ها را فراهم می‌آورد. در پژوهش‌های کیفی کدگذاری به معنای تنظیم کردن چیزها در قالبی نظام‌مند و سپس طبقه‌بندی یا مقوله‌بندی آن‌ها متناسب با الگوی تحلیل است. به بیان دیگر کدگذاری پیوندی حساس بین گردآوری اطلاعات و افاده معنا است که عموماً در سه سطح باز، محوری یا مقوله‌ای و نظریه‌ای به انجام می‌رسد. از آنجایی که در پژوهش حاضر سوال پژوهش به طور مشخص محور یا مقوله اصلی را مبنی بر تغییرات رفتار اجتماعی کاربران تحت تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بیان می‌دارد، لذا فرایند کدگذاری از سطح کدگذاری محوری (مقوله‌ای) آغاز می‌گردد و پس از آن با شبکه‌یابی و تحلیل مقولات اصلی و فرعی گزاره‌های تحلیلی ارائه می‌گردد.

در ارتباط با حجم نمونه پژوهش باید اذعان داشت که روش دقیقی برای محاسبه حجم نمونه در روش‌های کیفی وجود ندارد. از این رو پژوهش حاضر جمع‌آوری داده و مشاهدات مبتنی بر رفتار و نیز مصاحبه مستقیم از کاربران را تا اشیاع نظری ادامه داده است. با این وجود با هدف بهره‌مندی از یک دسته بندی و رویکرد واحد در فرآیند ثبت و تحلیل تغییرات رفتار، ثبت رفتار کاربران با تکنیک مشاهده در دو دسته ۶۰ تایی شامل کاربران متصل و کاربران غیر متصل در بازه‌های زمانی بین ۵ تا ۱۰ دقیقه انجام می‌شود. کاربر متصل فردی است که در فضا حضور دارد و در زمان حضورش در حال استفاده از یکی از ابزارهای فناوری اطلاعاتی و ارتباطی با تمرکز بر تلفن همراه است. در مقابل کاربر غیر متصل فردی است که در مدت حضور خود با تمرکز بر محیط پیرامونی از هیچ یک از ابزارهای فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی استفاده نمی‌کند. تا رسیدن به اشیاع نظری ۱۸ مصاحبه از کاربران ابزارهای فناوری در محدوده مورد مطالعه صورت گرفته است به طوری که مصاحبه‌های بعدی هیچ داده جدیدی را به مجموعه داده‌ها اضافه ننماید. از طرف دیگر سعی شد افرادی که مورد مصاحبه قرار می‌گیرند به لحاظ طیف سنی، جنسیتی و ... گستردگی لازم را داشته باشند.

**معرفی محدوده و ویژگی‌های آن:** با در نظر داشتن شرایط همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ و کاهش حضور کاربران در فضاهای شهری، انتخاب محدوده مورد مطالعه به جهت اهمیت حضور کاربران در فضا با هدف ثبت رفتارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو مناطق ۶ و ۱۲ شهر تهران به‌عنوان مناطق مرکزی و با جمعیت شناور قابل توجه به‌عنوان محدوده مطالعاتی به حساب می‌آید. منطقه ۶ با جمعیتی بالغ بر ۲۵۱ هزار نفر، دربردارنده عملکردهای متنوع بسیاری نظیر سکونت، تجاری، اداری، آموزشی، خدمات، کافه کتاب‌ها، مراکز فرهنگی است که روزانه مخاطبین بسیاری را در گروه‌های سنی متفاوت به خود جذب می‌نماید. منطقه ۱۲ نیز با جمعیتی بالغ بر ۲۴۰ هزار نفر در برگیرنده بازار بزرگ تهران و نیز بسیاری از مراکز و نهادهای دولتی، وزارتخانه‌ها و سفارتخانه‌ها است. از بین فضاهای موجود در این دو منطقه، بوستان شفق به عنوان یک پارک در مقیاس محله‌ای و پارک شهر به عنوان یک فضای شهری با عملکرد شهری و فرا شهری، جهت ثبت الگوهای رفتاری کاربران متصل و غیر متصل در فضا انتخاب گردیده است. جهت انجام مصاحبه با کاربران فضا، فضاهای بسته نظیر کافه‌ها، رستوران‌ها و کافه کتاب‌ها بیشتر مورد توجه بوده که از آن جمله می‌توان به کافه چشمه، بدرقه جاویدان، کافه تایپ، کافه نت، تبلیغات در این محدوده اشاره داشت.



تصویر ۲- محدوده مطالعاتی پژوهش



تصویر ۴- موقعیت بوستان شفق در منطقه ۶



تصویر ۳- موقعیت پارک شهر در منطقه ۱۲

جدول ۴- گروه‌های سنی جامعه آماری در پژوهش

گروه سنی	تعداد	درصد
<۱۸	۱۲	۱۰
۱۸-۲۴	۲۰	۱۶/۷
۲۵-۴۴	۴۶	۳۸/۳
۴۵-۶۵	۳۱	۲۵/۸
>۶۵	۱۱	۹/۲
مجموع	۱۲۰	۱۰۰

## یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های حاصل از ۳۱۸ دقیقه مشاهده مستقیم و ثبت رفتار کاربران ثابت (نشسته یا ایستاده) در محدوده مورد مطالعه با بهره‌مندی از تکنیک‌هایی نظیر، شمردن، تبدیل به نقشه کردن، تصویر برداری رفتاری، یادداشت‌برداری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. داده‌های حاصل از مصاحبه نیز با توجه به مقوله اصلی (تأثیر فناوری در تعاملات اجتماعی) در نرم‌افزار ATLAS.ti مورد کدگذاری و تحلیل قرار می‌گیرد. با استناد به داده‌های جدول شماره ۴ طیف سنی مورد بررسی در پژوهش از زیر ۱۸ سال تا بالای ۶۵ سال است که در این بین بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ سال قرار گرفته‌اند؛ به طوری که سهم مردان از جامعه آماری ۵۲/۵ درصد و سهم زنان در حدود ۴۷/۵ درصد است. از طرفی شایع‌ترین نوع استفاده از فناوری‌های ارتباطی در بین کاربران ثابت مربوط به استفاده از هندزفری و پس از آن تبادل پیامک می‌باشد.

جدول ۵- شیوه ارتباط با فناوری کاربران متصل در فضا

نوع ابزار	تعداد	درصد
مکالمه با تلفن همراه	۱۲	۲۰.۰
تبادل پیامک	۱۶	۲۶.۷
بازی کردن	۵	۸.۳
استفاده از هندزفری	۱۷	۲۸.۳
کامپیوتر همراه/ مشاهده محتوای اطلاعاتی	۱۰	۱۶.۷
مجموع	۶۰	۱۰۰

شیوه ارتباط با فناوری کاربران متصل در فضا

جدول ۶- وضعیت الگوهای تعاملی کاربران در محدوده مطالعاتی

کاربران ثابت در فضا	کاربر متصل (%)		کاربر غیر متصل (%)		مجموع
	تعداد/تکرار	درصد	تعداد/تکرار	درصد	
جنسیت	زن	۲۸	۴۶/۷	۲۹	۴۷/۵
	مرد	۳۲	۵۳/۳	۳۱	۵۲/۵
نوع حضور	انفرادی	۳۷	۶۱/۷	۱۸	۴۵/۸
	گروهی	۲۳	۳۸/۳	۴۲	۵۴/۲
موقعیت فضایی	حضور در مرکز رویدادپذیر فضا	۲۵	۴۱/۷	۳۹	۵۳/۳
	حضور در حاشیه فضا	۳۵	۵۸/۳	۲۱	۴۶/۷
تعامل‌پذیری	دفعات توجه به محیط اطراف	۱۱۸	۳۵/۳	۲۱۶	۹۲/۵۳
	اقدام و مشارکت در مکالمه مستقیم	۶	۲۲/۳	۲۱	۷/۴۷
الگوی تعامل	متمركز	۴	۶/۷	۴۸	۴۳/۴
	بخشی نگر	۲۲	۳۶/۷	۸	۲۵
	غیر متمركز	۱۰	۱۶/۷	۴	۱۱/۶
	با تمرکز بر رسانه	۲۴	۴۰	۰	۲۰

مجموع		کاربر غیر متصل (%)		کاربر متصل (%)		کاربران ثابت در فضا	
۴۵	۵۴	۷۶/۷	۴۶	۱۳/۳	۸	سهم درگیری در رفتار اصلی	
	۶۶	۲۳/۳	۱۴	۸۶/۷	۵۲	سهم درگیری در رفتار حاشیه ای	

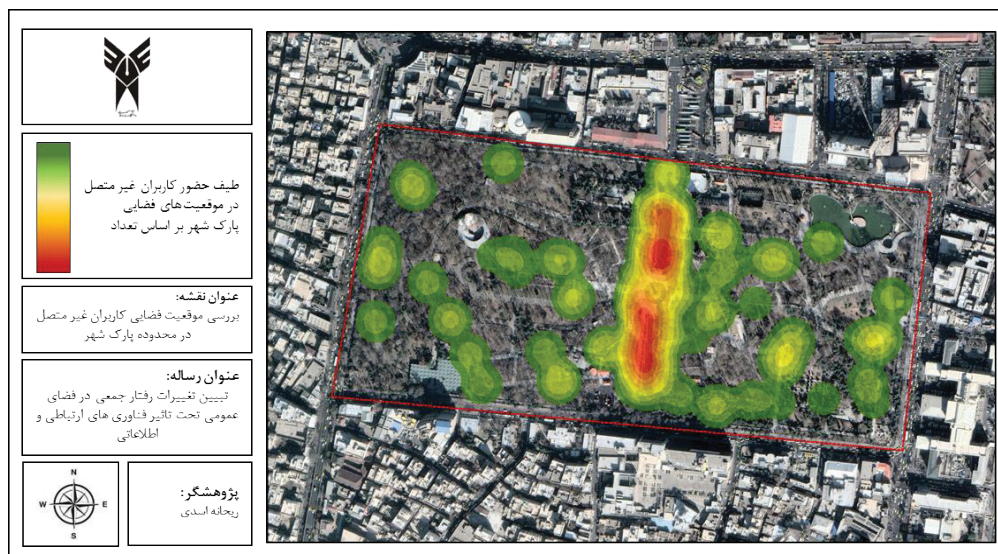
در بین کاربران ثابت (ایستاده یا نشسته) در فضا، کاربران مرد متصل با حدود ۵۳/۳ درصد بیشترین سهم از حضور در فضا را به خود اختصاص داده اند. روابط و الگوهای اجتماعی یکی از شاخص‌ترین موضوعاتی است که به‌طور مستقیم متأثر از ابعاد فناوری‌های نوین در عصر حاضر است. با استناد به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده می‌توان بیان داشت که کاربران متصل در مقایسه با کاربران غیر متصل، ۲/۰۶ برابر تمایل بیشتری به حضور انفرادی در فضا داشته‌اند، این در حالی است که در حدود ۷۰ درصد کاربران غیر متصل به‌صورت گروهی در فضا حضور پیدا کرده‌اند. الگوی تعامل یکی دیگر از معیارهای مهم در سنجش تغییرات الگوها و روابط اجتماعی در حوزه رفتار تعاملی می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که کاربران متصل به شدت درگیر الگوهای تعاملی بخشی‌نگر و متمرکز بر رسانه هستند که به‌طور مستقیم بر نقش‌آفرینی و شرکت افراد در یک تعامل مستقیم و چهره به چهره تأثیرگذار است. این در حالی است که کاربران غیر متصل به وضوح با شرکت در مکالمات به صورت چهره به چهره سهم قابل توجهی از تعامل متمرکز را به خود اختصاص داده‌اند. به نقل از گوفمن، وقتی افراد با تلفن همراه خود درگیر می‌شوند، یک "پبله" را ایجاد می‌کنند که احتمال برخوردهای عمومی مهم را کاهش می‌دهد که با انتظارات متداول از رفتار در فضای عمومی متناقض است. (e Silva, 2012, 18)

همان‌طور که در جدول فوق قابل مشاهده است، دفعات توجه کاربران غیر متصل در فضا در حدود ۱/۸۳ برابر بیشتر از کاربران متصل است و این مقدار در معیار مشارکت در مکالمه مستقیم به ۳/۵ برابر افزایش می‌یابد که بر تعامل پذیری افراد در فضای عمومی تأثیر مستقیم دارد. آنچه قابل ذکر است آن است که کاربران متصل دیگر برای به دست آوردن اطلاعات به محیط پیرامون وابسته نیستند و یک سیستم ادراکی مستقل از فضا را با تکیه بر داده‌های موجود در فضای سایبر شکل داده‌اند که برخلاف سامانه‌های ادراکی، متکی به ادراک مستقیم نبوده و در هر لحظه متغیر و پویاست و دستخوش دگرگونی می‌گردد. از طرف دیگر انبوه داده‌هایی که توسط فناوری به شکل اطلاعاتی راجع به موضوعات مختلف در اختیار کاربران قرار می‌گیرند، موجب کاهش توجه و درگیری با محیط می‌شوند؛ زیرا تمامی آنچه تا پیش از این با درگیر شدن با محیط پیرامونی و اجزای آن دریافت می‌شد، اکنون توسط ابزارهای دیجیتال انجام می‌شود. به‌طور کلی کاهش تعاملات چهره به چهره، نبود امکان شکل گرفتن گفت و گو، کاهش توجه و ادراک فضای پیرامونی و نیز پیش‌گیری از برخورد های اتفاقی در فضای شهری بدون هر گونه تعارض ناشی از جایگزین شدن سیستم به جای فرد و قالب‌بندی کردن هر گونه ارتباط در چارچوبی که فناوری مشخص می‌کند موجب می‌شود که نه تنها کاربران بسیار کمتر خودشان را با محیط پیرامون درگیر کنند بلکه با سایر افراد حاضر در فضا نیز درگیری و مواجهه نداشته باشند.

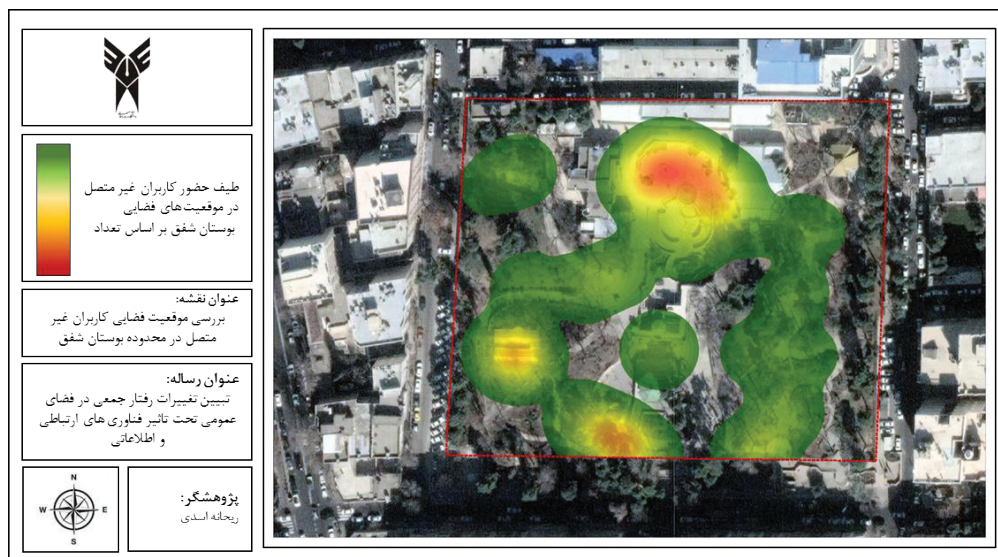
در کنار الگوی تعامل، استفاده از ابزارهای فناوری بر کیفیت تعامل افراد نیز تأثیرگذار بوده است به طوری که سهم درگیری افراد متصل در رفتارهای حاشیه‌ای که همان استفاده از ابزارهای فناوری است به شدت کیفیت تعاملات را تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که در برخی موارد فرد متصل رفتار حاشیه‌ای را جایگزین رفتار اصلی نموده است. در واقع فناوری به‌طور عام و تلفن‌های همراه به عنوان شایع‌ترین ابزار فناوری این قدرت را دارد که فرد را از رفتار اصلی جدا کرده و به سمت رفتار حاشیه‌ای سوق دهد. به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان داشت که ویژگی همه‌جایی فناوری‌های نوین ارتباطی در عصر حاضر به ویژه در فضاهای عمومی و شهری، بر نحوه اولویت بخشی بین رفتار اصلی و حاشیه‌ای توسط شخص و نیز کنترل میزان درگیری در تعاملات در موقعیت‌های اجتماعی تأثیر به‌سزایی داشته است. چرا که با استناد به داده‌ها، مشاهده افراد در حال صحبت کردن با تلفن، تبادل پیام یا بازی کردن با تلفن همراه در حالی که در فضاهای شهری راه می‌روند یا نشسته‌اند و یا حتی درگیر یک تعامل اجتماعی هستند در محدوده مطالعاتی بسیار فراگیر بوده است.

یکی دیگر از موضوعاتی که به شدت بر الگوهای تعاملی افراد در فضا تأثیرگذار است میزان تمایل آن‌ها به حضور در متن فضاهای رویداد پذیر است. مکان‌های مرکزی پارک‌ها که عموماً به عنوان محل مکث و توقف، شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی نظیر ورزش صبحگاهی، حضور گروه‌های فعال هنری و سایر افراد است می‌تواند تقویت‌کننده جنبه‌های تعاملی در

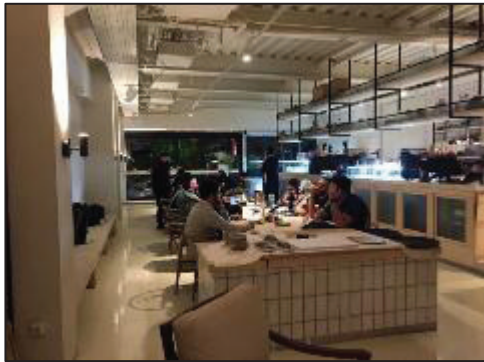
فضا باشد. بنابر مشاهدات صورت گرفته در دو محدوده مطالعاتی شامل پارک شهر و بوستان شفق، افراد متصل به طور معناداری از حضور (نشستن یا ایستادن) در متن این فضاهای رویدادپذیر و اجتماعی فاصله گرفته اند که این امر علاوه بر عدم تمایل به قرار گیری در متن فضاهای رویداد پذیر اجتماعی می تواند ناشی از نیاز به تمرکز برای انجام کارهایی نظیر تماس های تصویری، مشاهده محتوای اطلاعاتی، مکالمه تلفنی، خرید و ... باشد که در نهایت به در حاشیه قرار گرفتن افراد به لحاظ موقعیت گزینی در فضا منجر گشته است. این موضوع به وضوح در مشاهدات صورت گرفته در فضا های نیمه عمومی نظیر کافه ها و کافه کتاب ها نیز قابل مشاهده است به طوری که کاربرانی که در حال استفاده از ابزارهای فناوری هستند تمایل بیشتری به فاصله گرفتن از میز اجتماعی که محل رویدادپذیر فضا به شمار می آید هستند. اگرچه بهره مندی از امکاناتی نظیر پرینز برق، چراغ مطالعه و اینترنت پر سرعت در میز اجتماعی عموماً موجب حضور کاربران در مجاورت آن ها برای انجام فعالیت هایی نظیر پروژه های کاری، کلاس و جلسات آنلاین و .... می گردد.



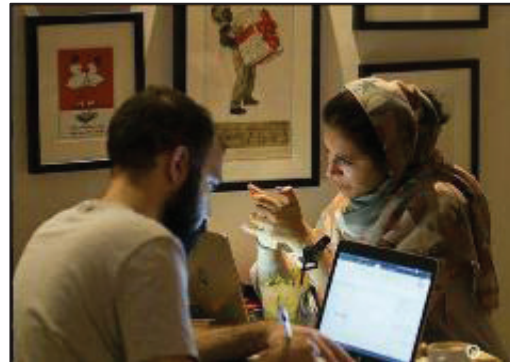
تصویر ۵- نقشه رفتار تعاملی کاربران در محدوده پارک شهر تحت تأثیر فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی



تصویر ۶- نقشه رفتار تعاملی کاربران در محدوده بوستان شفق تحت تأثیر فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی



تصویر ۸- تمایل به حضور در مرکز رویدادپذیر فضا در کافه‌های دارای میز اجتماعی

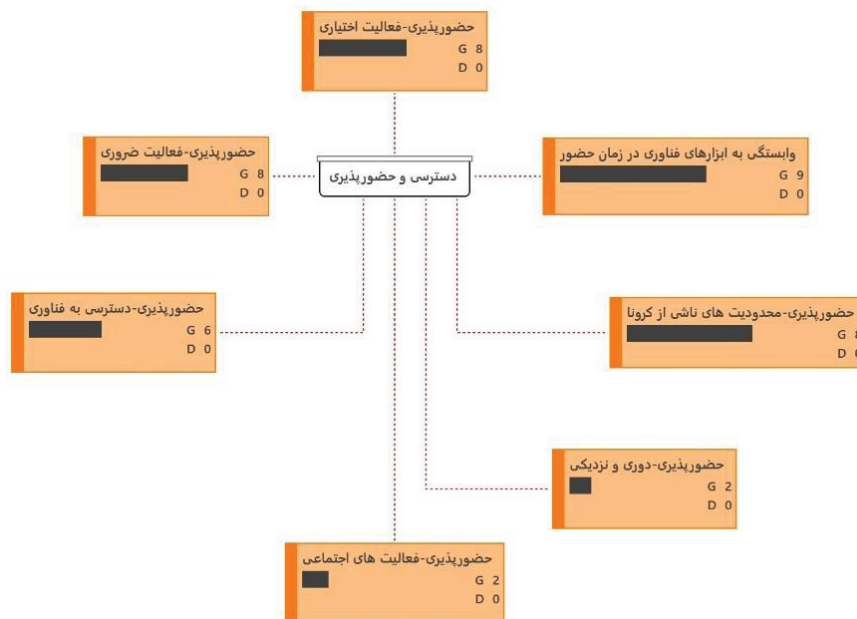


تصویر ۷- تمایل به حضور در حاشیه فضا در کافه‌های فاقد میز اجتماعی

جدول ۷- استخراج مقولات اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها در نرم‌افزار اطلس

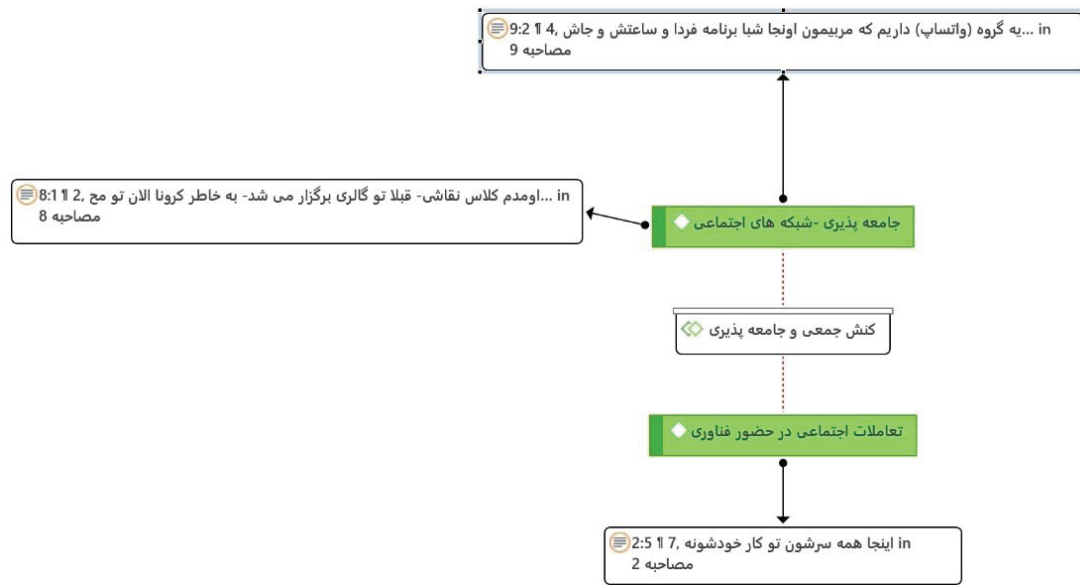
مقوله اصلی	مقولات فرعی	عبارات
الگوها و روابط اجتماعی	بی‌اعتمادی به مردم در کسب اطلاعات - تعامل با واسطه	مردم جواب درستی نمی دهند متأسفانه یک پروژه گرفتیم با دوستم، همکارم هست، با هم می خواستیم انجام بدهیم آمدیم اینجا. من همه کارها و درسم آنلاین و از راه دور شده، ولی با وجود کرونا آدم دلش می خواهد بیاید بیرون حال و هوایش عوض بشود. بعضی جاها را دخترهایم می‌روند و تعریف می‌کنند، عکس‌هایش را می‌بینم و خوشم می‌آید. در اینستاگرام، رفته عکس‌هایش را دیدم خوشم آمد. نظرات دیگران را که می‌خوانی بعد عکس‌هایش را می‌بینی دلت می‌خواد بیای یک بار امتحان کنی همه چیز را در نت سرچ می‌کنم. اگر بتوانم لوکیشن پیدا کنم خوب اونجوری میرم. من همیشه قبل سفر همه جاها را دیدنی را در نقشه پین می‌کنم. جاها را دیدم بخوام بروم حتما در موردش می‌پرسم، می‌زنم عکس‌هایش را می‌بینم نظرات مردم را می‌خونم مخصوصا در مورد هتل‌های جدید خیلی خوبه. یک موقع یک کسی معرفی می‌کنه و تعریفش را می‌شنوم یا تبلیغش را می‌بینم. اسم خیابان‌ها هم مداوم عوض میشه آدم مجبوره از مسیریاب استفاده کنه. ما همیشه یک کافه می‌رفتیم نزدیک خونه دوستم ولی اینجا تو اینستا زیاد تبلیغش را دیدم خوشم اومد با اینکه دور بود از ما اومدیم. بیشتر وقتی با ماشین جایی میرم با ویز میرم، اذیتم می‌کنه ولی مسیریابی را که بلد نیستم مجبورم اصلا بدون آن همیشه رفت، از یک مسیریابی میره قشنگ ترافیک می‌پیچونه. سعی می‌کنم قبل از راه افتادن جایش را روی نقشه پیدا کنم. من شارژر و موبایلم همراهم باشه نه خودم نگران میشم نه بقیه! یک مسیریاب روی گوشیت داشته باشی دیگه تو جای غریب گیج نمیشی. روی یک پروژه کار می‌کنم، اینجا خیلی مطلوبه واسه این جور کار، اصلا پاتوق من اینجاست. قبلاً کلاس نقاشی تو گالری برگزار می‌شد، به خاطر کرونا الان تو محوطه اینجا برگزار میشه. تقریباً همیشه جواب خوبی گرفتیم از سرچ تو اینترنت اما من حرف اونایی که بلاگر هستند را باور نمی‌کنم چون پولی تبلیغ می‌کنن. واقعیت پیش هم آمده که عکس‌هایش اصلا شکل خودش نبوده ولی اینجا واقعا دنجه. یک بار یک جایی رفتیم قبلش همه عکس‌هاش را در پیچش دیدم ولی اصلا ننوشته بود سیگار آزاده یا اینجوریه. مردم جواب درست نمی دهند خودشون هم بلد نیستن آدم گیج میشه. ما همیشه تو شبکه اجتماعی برنامه فرادامون را برای ساعت کلاس ورزش هماهنگ می‌کنیم. راحت تر هست تا بخوای به همه یکی یکی بگی. من این کلاس نقاشی را تو اینستا پیدا کردم واقعا عالیه. برای کارهای دانشگاه، پارک و این جور جاها همیشه رفت، دانشگاه هم تعطیله، اینجا نت داره، خلوت هم هست زیاد می‌آییم.
دسترس و حضور پذیری	استفاده از فناوری برای گزینش فضایی حضور به واسطه فناوری - فناوری و احساس امنیت - فناوری و مسیریابی - ناخوانایی فضاهای شهری	
کنش جمعی و جامعه‌پذیری	اعتماد به داده‌های دیجیتال - نقش آفرینی در فضا مبتنی بر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی	

با استناد به نتایج حاصل تحلیل محتوای گفتار و مشاهده های مستقیم می‌توان بیان داشت که صحبت با تلفن همراه در مقایسه با سایر ابزارهای فناوری، بیشترین تأثیر را بر رفتار تعاملی داشته است و ارسال پیام و مشاهده محتوای اطلاعاتی بر روی صفحه نمایشگر به ترتیب در جایگاه های بعدی قرار دارند. با توجه به خروجی های حاصل از شبکه یابی بین مقولات و کدها در نرم افزار تحلیلی اطلس که در تصویر شماره ارائه شده است می‌توان بیان داشت که وابستگی به ابزارهای فناوری تأثیر مستقیمی بر نحوه حضورپذیری کاربران در فضا دارد به طوری که بیشترین تعداد تکرار ( ۹ مورد ) در این مقوله مشاهده می‌شود. از طرف دیگر با توجه به بیانات کاربران، قابلیت های فضای دیجیتال، سهم هر کدام از گونه فعالیت های ضروری، انتخابی و اجتماعی در فضای شهری را تغییر داده است و امکان انجام حجم وسیعی از فعالیت های ضروری را بدون حضور فیزیکی در فضا ایجاد کرده است به طوری که بسیاری از فعالیت های ضروری همچون اشکال مختلف خرید، خدمات، آموزش و کار در فضای دیجیتال رخ می‌دهند. از این رو کم شدن زمان و انرژی صرف شده برای فعالیت های ضروری در فضای شهری توانسته است بر تقویت فعالیت های اختیاری و اجتماعی در فضای شهری عصر فناوری اثرگذار باشد. به بیانی دیگر فعالیت های ضروری شهری از طریق قابلیت های فضای سایبر و شبکه های اجتماعی با ایجاد فرصت خودسازماندهی و بهینه کردن زمان حضور به انجام می‌رسند. از طرف دیگر رابطه ی پیچیده ای که میان ابعاد کالبدی و ابعاد اطلاعاتی آن شکل گرفته است، موجب می‌شود فضای شهری به مفهومی چندلایه تبدیل شود و مفهوم دسترسی به فضا نه فقط به معنای امکان حضور جسمانی، بلکه شامل امکان دسترسی به داده های مربوط به آن مکان نیز باشد که عدم تأکید بر دوری و نزدیکی فیزیکی به فضاهای شهری در شبکه کدها نیز تأکیدی بر کم رنگ شدن مفهوم دسترسی با در نظر داشتن بعد مسافت است.

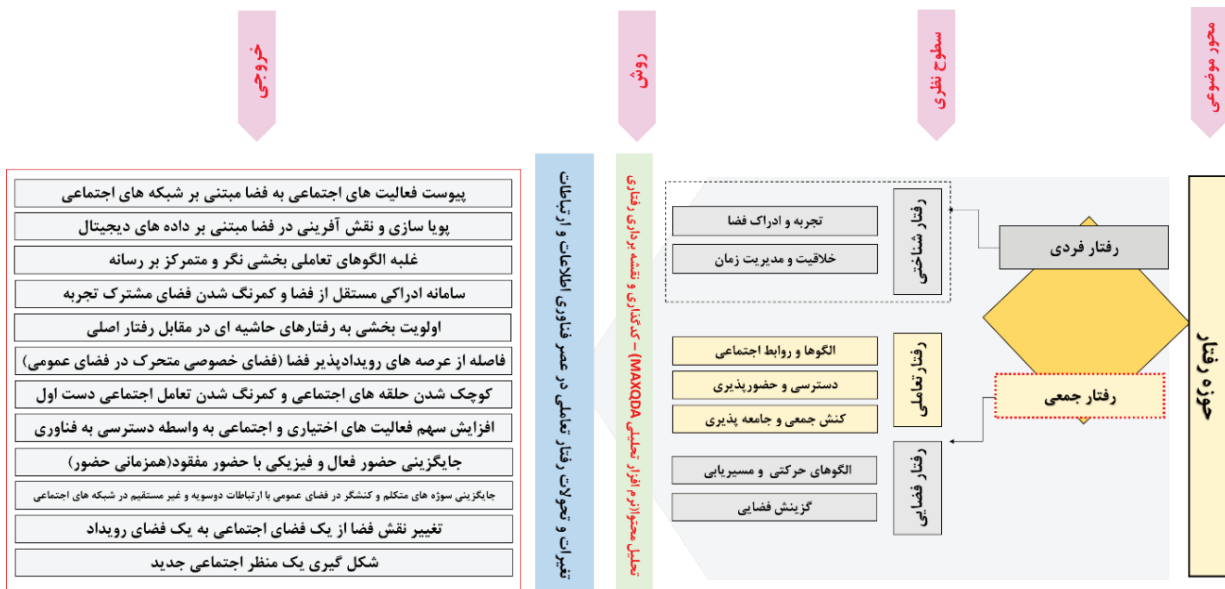


تصویر ۹- مقولات مرتبط با دسترسی و حضورپذیری در نرم افزار تحلیلی اطلس

تحلیل محتوای مصاحبه های صورت گرفته از کاربران و نیز تحلیل شبکه حاصل از کدها تاییدی بر این موضوع است که قابلیت های شبکه های اجتماعی در عصر فناوری بر جامعه پذیری و حضور فعال کاربران در عرصه های شهری تأثیر قابل توجهی داشته است. قابلیت دیگر در مکانمند کردن ارتباط فرد با محیط شبکه است به طوری که شبکه امکان انتشار اطلاعات مکانی را فراهم می‌کند و برنامه های کاربردی مشارکتی موجب قوی تر شدن جریان اطلاعات و به تبع آن کنش افراد شوند. شبکه های اجتماعی مبتنی بر موقعیت مکانی این امکان را به کاربران می‌دهند که متوجه بشوند دیگران کجا هستند. امکان ثبت نظر بر نقشه ها اگرچه باز نمودی از تحقق مشارکت و کنش در فضای شهری به شمار می‌آید اما علاوه بر این مهم بر ارتقا تعاملات اجتماعی نیز تأثیر به سزایی دارد.



تصویر ۱۰- شبکه یابی بین مقولات مرتبط با کنش جمعی و جامعه پذیری در نرم افزار تحلیلی اطلس



تصویر ۱۱- چارچوب یافته های پژوهش

### بحث و نتیجه گیری

حوزه رفتار یکی از ارکان اصلی حوزه عمومی به شمار می آید که با استناد به یافته های پژوهش دستخوش تغییرات و تحولات گسترده ای در حوزه رفتار تعاملی گشته است. این تغییرات رفتار در مدت زمان کوتاهی که نفوذ فناوری های دیجیتال در تمامی عرصه های زندگی شهروندی می گذرد رخ داده اند و آن قدر کاربر عصر فناوری را با خود همراه داشته اند که به عنوان الگوی رفتاری غالب تبدیل گشته اند. طبق آنچه مطرح شد، فناوری های ارتباطی نوین با توانایی حفظ ارتباطات فارغ از موانع مکانی و زمانی، این امکان را به افراد می دهد که ارتباطات خود را به صورت شبکه هایی از افراد محدود کنند و ارتباط کمتری با فضای پیرامونی و برخوردهای اتفاقی برقرار کنند. در واقع شکل جدید تعاملات اجتماعی از اصول و قواعد فضای شبکه ای و سایبری پیروی می کند؛ روابطی وسیع و سست که عموماً حول موضوعات مشخص شکل می گیرد و با قطع ارتباط با شبکه پایان می یابد.

از طرف دیگر مخاطبان فضای عمومی دیگر برای به دست آوردن اطلاعات به محیط پیرامون وابسته نیستند و یک سیستم ادراکی مستقل از فضا را با تکیه بر داده‌های موجود در فضای سایبر شکل داده‌اند که برخلاف سامانه‌های ادراکی، متکی به ادراک مستقیم نبوده و در هر لحظه متغیر و پویاست و دستخوش دگرگونی می‌گردد از این رو کاربران در عصر فناوری قادر به تشکیل یک هویت و معنا واحد از فضا در سامانه ادراکی خود نیستند.

به طور کلی کاهش تعاملات چهره به چهره، نبود امکان شکل‌گیری گفت و گو، کاهش توجه و ادراک فضای پیرامونی و نیز پیش‌گیری از برخوردهای اتفاقی در فضای شهری بدون هر گونه تعارض ناشی از جایگزین شدن ابزار فناوری به جای فرد و قالب بندی کردن هر گونه ارتباط در چارچوبی که فناوری مشخص می‌کند موجب می‌شود که نه تنها کاربران بسیار کمتر خودشان را با محیط پیرامون درگیر کنند بلکه با سایر افراد حاضر در فضا نیز درگیری و مواجهه نداشته باشند. در واقع می‌توان اذعان داشت که اگرچه شهر به طور عام و فضای شهری به طور خاص در عصر فناوری به لحاظ معرفت‌شناسی با شهر پیشین از یک هستی واحد برخوردار است ولی به لحاظ عمل و خصیصه‌های تعاملی و ارتباطی از یکدیگر متمایز و به‌طور معناداری تحت تأثیر فناوری‌های نوین است.

شبکه‌های اجتماعی مکان مینا و متکی به داده‌های شهری، ابزارهای نوظهوری نظیر اپ‌های مسیریاب، جی‌پی‌اس و گوگل‌مپس را به ابزارهایی برای اجتماعی کردن اطلاعات فضایی تبدیل کرده است به طوری که با استفاده از آن‌ها کاربران می‌توانند با توجه به موقعیت قرارگیری شان در فضا با سایر کاربران حاضر در فضا کنش و تعامل داشته باشند و از طرف دیگر فرصت ابراز وجود و اظهار نظر راجع به موضوعات و تجربیات مکانی را به دست آورند. امکان ثبت نظر بر نقشه‌ها اگرچه باز نمودی از تحقق مشارکت و کنش در فضای شهری به شمار می‌آید اما علاوه بر این مهم بر ارتقا تعاملات اجتماعی نیز تأثیر به‌سزایی دارد. به طور کلی زمانی که این اطلاعات موقعیت مکانی می‌یابند به بستر و محتوایی برای تعاملات اجتماعی تبدیل می‌شوند و برگزینش فضایی و جامعه‌پذیری کاربران به طور معناداری تأثیر می‌گذارد. این بستر جدید، ارتباطات را در مفهومی فراتر فراهم کرده و شکل متفاوتی از شناخت و تجربه فضا را پیش از حضور فیزیکی در آن امکان‌پذیر می‌سازد. کاربران با عکس‌ها و نظرات و هر نوع داده دیگری که در پیوند با یک موقعیت مکانی است احاطه شده و شکل جدیدی از تعامل و درگیری با مکان را تجربه می‌کنند و این همان نقطه‌ای است که به‌طور مشخص رفتار تعاملی کاربران از سوژه‌های متکلم و کنشگر به ارتباطاتی دوسویه و غیرمستقیم تغییر شکل داده و ماهیت فضاهای عمومی را از شاخص‌های سنتی به سمت قلمروهای موقت سوق می‌دهد تا جایی که در حضور فناوری، الگوی تعاملی افراد بیشتر به حالت غیرمتمرکز و متمرکز بر رسانه تبدیل شده و توجه و ادراک فضای پیرامون و نیز ارتباط با سایر افراد در اولویت بعدی و به‌عنوان درگیری حاشیه‌ای قرار می‌گیرد. کمرنگ شدن اتصال بین کاربر و فضا موجب کشیده شدن کاربر متصل از مرکز رویداد پذیر فضا به حاشیه شده و در یک رویکرد تعاملی نقش کانونی کاربر در فضا را تضعیف می‌نماید. طبق داده‌های حاصل از ثبت رفتار در کافه‌ها، طراحی هوشمندانه و مبتنی بر نیازهای کاربر در عصر فناوری می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری فضاهایی پویا، پرتحرک و اجتماعی باشد، لذا بهره‌مندی از این تجربه در فضاهای عمومی شهری نیز می‌تواند الگوی بهینه‌ای را جهت بازتعریف و طراحی کارآمد فضاهای شهری در عصر فناوری متناسب با نیازهای کاربر متصل در اختیار قرار دهد و حضورپذیری، خلاقیت، سرزندگی و جامعه‌پذیری را به فضاهای عمومی عصر فناوری بازگرداند.



تصویر ۱۲- نمونه‌ای از طراحی فضاها و مبلمان شهری متناسب با نیازهای کاربر عصر فناوری

## پی‌نوشت‌ها

۱. Contribution to Knowledge
۲. Dialogic
۳. Space of Productivity
۴. Ubiquitous wi-fi
۵. Public Disengagement
۶. Communal spaces
۷. Electronic Cottage
۸. Hypertext
۹. Telecity
۱۰. Invisible City
۱۱. Immediate Social Context
۱۲. Monadic clusters
۱۳. Communal spaces
۱۴. People's Social Circles
۱۵. Home Centeredness
۱۶. Parochial Realm
۱۷. Displacement hypothesis
۱۸. Mediated communication
۱۹. Unfocused interaction
۲۰. Part-focused interaction
۲۱. Media-focused interaction
۲۲. Absent presence
۲۳. Flash mob
۲۴. Chain Letter
۲۵. Collective action

## منابع

- اصغرکیا، ع.، محمودی، ع. (۱۳۹۰). نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس. سیاسی - اقتصادی (۲۸۳)، ۱۲-۲۱.
- امیری، م.، رضایی، ق. (۱۳۹۵). واکاوی تأثیر و نقش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در چگونگی وقوع انقلاب‌های تونس و مصر. مطالعات سیاسی، ۳۲(۸): ۱۶۷-۱۸۰.
- بحرینی حسین، (۱۳۷۵)، تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی (نسخه اول). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- پاک‌نژاد، ن.، لطیفی، غ. (۱۳۹۷). تبیین و ارزیابی تأثیرات مؤلفه‌های محیطی بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری در فضاهای شهری (از نظریه تا عمل: مطالعه میدان تجریش). باغ نظر، ۱۵(۶۹): ۵۱-۶۶.
- پاکزاد، ج.، بزرگ، ح. (۱۳۹۱). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمانشهر.
- تافلر، ا. (۱۹۸۰). موج سوم. (خوارزمی، مترجم) تهران: فرهنگ نشر نو.
- تنکابنی، س. (۱۳۹۷). بازشناسی فضاهای عمومی شهر تهران در عصر حاضر، گونه‌شناسی توصیفی و رویه‌ای. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران.
- رهنمایی، م.، یوسف، ا. (۱۳۸۸). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. فصل‌نامه انجمن جغرافیای ایران، ۵(۱۴): ۲۳-۴۶.
- صادق زاده، م.، پورمحمدی، م. (۱۳۹۸). نقش الگوهای رفتاری در شکل‌گیری فضاهای شهری انسان محور از دیدگاه کریستوفر الکساندر و دونالد ایلپارد. همایش ملی معماری و شهرسازی انسانگرا. قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- عقیلی، و.، لطفی حقیقت، ا. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری. دانشنامه، ۱۶۹-۱۹۵.

- قهرمانی، ه.، (۱۳۹۴). بازتعریف فضاهای عمومی شهری مناسب شرایط جهانی شدن. (ا. شیعه، م. عباس زادگان، تدوین کنندگان) تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- کارمونا، م.، (۲۰۰۳). مکان های عمومی، فضاهای شهری ابعاد گوناگون طراحی شهری. (ف. قرائی، ز. اهری، ا. صالحی، م. شکوهی، مترجم) تهران: دانشگاه هنر.
- کامور شلمانی، آ.، حناچی، س. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل بصری فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان. هویت شهر، ۹(۲۴)، ۶۵-۷۸.
- لنگ، ج.، (۱۹۸۷). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (ع. عینی فر، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرسلامی، م.، عمرانی پور، ع. خوشبخت بهرمانی، ش. (۱۳۹۹). سنجش اجتماع پذیری مقرهای رفتاری «مساجد» بر اساس الگوی همساختی رفتار مصرف کننده و کالبد (مطالعه موردی: مساجد محله ای قزوین). مدیریت شهری و روستایی (۶۰)، ۷-۲۷.
- ویلیامز، ک. (۱۳۹۲). فهم نظریه رسانه ها. (گ. میرزایی، ا. شاه قاسمی، مترجم) تهران: جامعه شناسان.
- Arnd-Caddigan, M. (2015). Sherry Turkle: Alone Together: Why We Expect More from Technology and Less from Each Other: Basic Books, New York, 2011, 348 pp, ISBN 978-0465031467 (pbk).
- Ascher, F. (2004). "Multi-Mobility, Multispeed Cities: a challenge for architects, town planners and politicians. *The explosion of the City, Morphologies, Observations and Motions, Font A. Ed., Llop C., Bernadó J. & Colegio de Arquitectos de Cataluña*, 352-363.
- Barr, S., Lampkin, S., Dawkins, L., & Williamson, D. (2021). Smart cities and behavioural change : (Un) sustainable mobilities in the neo-liberal city. *Geoforum*, 125, 140-149.
- Barbosa, H., Barthelemy, M., Ghoshal, G., James, C. R., Lenormand, M., Louail, T. ... & Tomasini, M. (2018). Human mobility: Models and applications. *Physics Reports*, 734, 1-74.
- Chapin, F. S. (1974). Human activity patterns in the city: Things people do in time and in space (pp. 13-26). New York: Wiley.
- Giaretta, J. B. Z., & Giulio, G. M. D. (2018). The role of the Information and Communication Technologies (ICT) in the urban 21st century and in the emergence of new social movements: reflections on experiences in the São Paulo megacity. *Revista Brasileira de Estudos Urbanos e Regionais*, 20, 161-179.
- Riether, G. (2016). A Public Space for the Digital Age. Congress of the Iberoamerican Society of Digital Graphics, (pp. 260-265). Buenos Aires, Argentina. Doi: 10.5151/despro-sigradi2016-766
- Agamanolis, S. (2003). Designing displays for human connectedness. *Public and situated displays: social and interactional aspects of shared display technologies*, 309-334.
- Ananda, M. L. (2005). From Cyber Space to Cybernetic Space: Rethinking the Relationship between real and Virtual Spaces.
- Borgmann, A. (1984). *Technology and the character of contemporary life: A philosophical inquiry*. University of Chicago Press.
- Campbell, S. W., & Kwak, N. (2011). Mobile communication and civil society: Linking patterns and places of use to engagement with others in public. *Human Communication Research*, 37(2), 207-222.
- Castells, M. (2009). The Rise of the network society Volume 1 with a new preface. *Book The Rise of the network society*, 1, 91.
- Gergen, K. J. (2008). Social construction and research as action. *The Sage handbook of action research: Participative inquiry and practice*, 159-171.
- Davis, R., & Pease, K. (2000). Crime, technology and the future. *Security journal*, 13(2), 59-64.
- Goffman, E. (1972). *Relations in Public: Microstudies of the Public Order*. Taylor & Francis.
- e Silva, A. D. S., & Frith, J. (2012). *Mobile interfaces in public spaces: Locational privacy, control, and urban sociability*. Routledge.
- Habermas, J., & Press, P. (1989). *The public sphere: An inquiry into a category of Bourgeois society*.

- Hampton, K. N., & Gupta, N. (2008). Community and social interaction in the wireless city: wi-fi use in public and semi-public spaces. *New Media & Society*, 10(6), 831-850.
- Hampton, K. N., & Ling, R. (2013). Explaining communication displacement and large-scale social change in core networks: A cross-national comparison of why bigger is not better and less can mean more. *Information, Communication & Society*, 16(4), 561-589.
- Hampton, K. N., Goulet, L. S., & Albanesius, G. (2015). Change in the social life of urban public spaces: The rise of mobile phones and women, and the decline of aloneness over 30 years. *Urban Studies*, 52(8), 1489-1504.
- Hanzl, M., & Ledwon, S. (2017). Analyses of human behaviour in public spaces. *ISOCARP, Portland, Oregon, USA*.
- Hoeflich, J. & Kircher, G. (2010). Moving and lingering: the mobile phone in public space. In L. Schlote, & C. Linke, *Mobile media and the change of everyday life* (pp. 61-96). Frankfurt: Peter Lang.
- Hosio, S. (2010). Augmenting Public Spaces with Social Media Elements to Enhance Awareness and Interaction. Master's Thesis, University of Oulu, Department of Electrical.
- Houghton, K. (2010). Augmenting public urban spaces: the impact of the digital future on the design of public urban spaces. In *Utopia 2010 PIA Queensland State Planning Conference* (pp. 19-23).
- Humphreys, L. (2005). Cellphones in public: social interactions in a wireless era. *New media & society*, 7(6), 810-833.
- Kraut, R., Patterson, M., Lundmark, V., Kiesler, S., Mukophadhyay, T., & Scherlis, W. (1998). Internet paradox: A social technology that reduces social involvement and psychological well-being?. *American psychologist*, 53(9), 1017.
- Lattanzio, M. (2012). Future of public spaces, toward an integrated design of public space and informational technology. Faculty of Arts, Environment and Technology.
- Lawson, B. (2007). *Language of space*. Routledge.
- Lenz, K. (2022). Behavior in Public Places. Notes on the Social Organization of Gatherings. In *Goffman-Handbuch: Leben–Werk–Wirkung* (pp. 291-297). Stuttgart: JB Metzler.
- Lim, M. (2014). *Seeing spatially: People, networks and movements in digital and urban spaces*. Liverpool University Press.
- Ling, R. (2010). *New tech, new ties: How mobile communication is reshaping social cohesion*. MIT press.
- Mieczkowski, A., Goldhaber, T., & Clarkson, J. (2011). Culture, communication, and change: Report on an investigation of the use and impact of modern media and technology in our lives. *Culture, communication, and change*.
- Mitchell, D. (1995). The end of public space? People's Park, definitions of the public, and democracy. *Annals of the association of American geographers*, 85(1), 108-133.
- Nie, N. H., Hillygus, S. D., & Erbring, L. (2002). Internet use, interpersonal relations, and sociability in the Internet. *Everyday Life. Oxford: Blackwell*.
- Nouri, Z., Rafieian, M., & Ghasemi, K. (2019). Using information and communication technologies to create learning urban public space. (Case study: Central part of Tehran, Iran). *Habitat International*, 87, 91-98.
- Oldenburg, R. (2004). The Great Good Place: Cafés, Coffee Shops, Bookstores, Bars, Hair Salons, and Other Hangouts at the Heart of a Community New York: Marlowe, 1999 O'Sullivan, D. & Igoe. *T. Physical Computing: Sensing and Controlling the Physical World with Computers Boston: Course Technology*.
- Papacharissi, Z. (2008). The virtual sphere 2.0: The Internet, the public sphere, and beyond. In *Routledge handbook of Internet politics* (pp. 230-245). Routledge.
- Przybylski, A. K., & Weinstein, N. (2013). Can you connect with me now? How the presence of mobile communication technology influences face-to-face conversation quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30(3), 237-246.

- Sabanes Plou, D. (2011). For an information society with gender equity. Association for Progressive Communications, women's network support programme.
- Urbas, G., & Krone, T. (2007). Mobile and wireless technologies: security and risk factors.
- Lang, J., & Moleski, W. (2016). Functionalism revisited: Architectural theory and practice and the behavioral sciences. Routledge.

## The explanation of interactive behavior changes in public spaces in the information and communication technology era

**Reyhaneh Asadi**, Ph.D. Candidate, Department of and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Alireza Bandarabad\***, Associate Professor Department of and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Atoosa Modiri**, Assistance professor, Department of and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Received: 2022/2/13*

*Accepted: 2022/7/1*

**Introduction:** In the latter half of the 20th century, it was recognized that good urban spaces must provide opportunities for social interaction and communication. This was deemed essential for the survival of cities. However, the advent of social media and mobile communication has gradually shifted the focus away from physical presence and towards the content and nature of cities. Information and communication technologies have become pervasive in human life, yet their impact on human presence and behavior in urban spaces is often overlooked. The introduction of connected users has redefined the concept of urban spaces in the age of technology, resulting in significant changes in interactive, cognitive, and spatial behaviors.

**Methodology:** This study utilizes the qualitative content analysis method and coding technique in ATLAS.ti software to explore the shifts in user behavior within Tehran's 6 and 12 districts. Specifically, the focus is on changes in relationships and interactive patterns.

**Results:** The research based on behavioral maps shows that users' interaction behavior has shifted from direct and active communication to indirect and two-way communication. This change is more focused on the media, attention, and perception of the surrounding space and communication with others. As a result, the nature of public spaces has moved from traditional landmarks to temporal domains. This blurs the connection between the user and the space, causing the connected user to be moved from the center of the space to the margin. In an interactive approach, the user's focal role in space is weakened.

**Conclusion:** The research shows that technology plays a crucial role in how people choose, navigate, and socialize in physical spaces. This dependence on technology has led to changes in how people interact with each other and their environment. These changes offer valuable insights for urban planners and designers to create more efficient and effective spaces in modern cities. By understanding the various dimensions of these changes, planners can develop optimal solutions and patterns to enhance the user experience.

**Keywords:** Behavioral pattern, interactive behavior, public space, information and communication technologies, cyberspace

\* Corresponding Author's E-mail: bandarabad@yahoo.com